



محمد زعیمرزاده
سردبیر

رسانه یا ابزار پروپاگاندا؟ معمولاً در شرایط جنگ یا شبه جنگ، باد به پرچم پروپاگاندا بیست هامی وزد و آنها راحت تر می توانند عملکردشان را توجیه کنند، اصلاً فرق این دو چیست؟

توضیح تک خطی اش شاید این باشد که رسانه باید بتواند در نظام محاسباتی و ادراکی مخاطب تغییرات تدریجی و ماندگار ایجاد کند؛ اما پروپاگاندا هدفش تثبیت و تقویت موضع مخاطب در همان نقطه ای است که قرار دارد. اثر رسانه عمیق است و تأثیر پروپاگاندا سطحی؛ رسانه نیاز به کار استدلالی و درازمدت دارد؛ اما کار پروپاگاندا با تولیدات پرچم و تهییجی راه می افتد. مخاطب رسانه عموماً نخبگانی تر است و مشتری پروپاگاندا عمومی تر و توده ای تر. رسانه در درازمدت برای صاحبانش تولید فرصت و قدرت می کند؛ اما پروپاگاندا ابزار مصرف قدرت است.

قاعده بر این است که در شرایط بحران و شبه جنگ، مجموعه هایی که در طول زمان کار رسانه ای کرده اند با شیب ملایمی به نفع ذی نفعان اقتصادی و سیاسی خود پروپاگاندا می کنند. یعنی بحران و شبه بحران از جمله نقاط عطفی است که رسانه دست در جیب خود می کند و از اغتشاش خود برای عبور ذی نفعان از بحران هزینه می کند. البته در این شیب ملایم چرخاندن فرمان خود آداب و اصولی دارد. حال این وسط تکلیف مجموعه هایی که در شرایط قبل از بحران پروپاگاندا محور بوده اند تقریباً مشخص است. هیچ عدد صحیحی از صفر بزرگ تر نیست. وقتی اعتباری در جیب نداریم، هزینه نکردن بی معنا می شود. موضوع این یادداشت کوتاه، آسیب شناسی رسانه های داخلی به خصوص رسانه ملی نیست؛ اخیراً یکی از مدیران این دستگاه معظم گفته است مخاطب ما بیش از ۷۰ درصد است. ما این گزاره را هم به حساب همان پروپاگاندا در شبه جنگ می گذاریم و فقط امیدواریم دوستان مثل ماجرای جناب نصرالدین این قدر محکم این گزاره را نگویند که خودشان هم باورشان بشود و در صف آتش خیالی بایستند. عدد مخاطب امروز هر چه باشد ریشه اش در نسبت رعایت رسانه بودن و ابزار پروپاگاندا بودن است و خوب وضعیت تقریباً روشن است.

همان طور که اشاره شد بحث ما امروز رسانه ملی نیست. بنگاه خبرپرگانی بی بی سی طبعاً در اتفاق های اخیر نمی تواند خارج از دستورالعمل های وزارت خارجه انگلستان عمل کند. آنها در وقایع یک سال اخیر و خصوصاً در شب تندر تحولات از زمان آغاز جنایت های اسرائیل در لبنان چه کرده اند؟

در وقایع اخیر، خط خبری بی بی سی انگلیسی با بی بی سی فارسی متفاوت است. جهت رسانه وزارت خارجه انگلستان برای مخاطب غیر فارسی زبان دقیقاً رسانه های اسرائیلی هم راستاست؛ کوچک کردن خسارت های اسرائیل، بزرگ نمایی از اقدامات نظامی صهیونیست ها، سانسور حد اکثری کشتار غیر نظامیان توسط اسرائیل، ورود نکردن به ابهاماتی که ممکن است به ضرر اسرائیل باشد، پرزنگ کردن خط شایعه علیه ایران و... به یک معنا ایده بخش غیر فارسی بی بی سی به شکل کامل پروپاگاندا شدن و تبدیل شدن به یک رسانه جنگی علیه مقاومت است. در بخش فارسی اما وضعیت متفاوته است. کوهنورد و ناجی دو خبرنگار پرسابقه بی بی سی حاضر در میدانند، رابوایی که تلاش می کنند وانمود کنند بخشی از دستگاه پروپاگاندا ی رژیم صهیونیستی نیستند. بی بی سی در این قسمت تلاش می کند و جوجه رسانه ای خود را تا حدی حفظ کند؛ اما پشت صحنه این تصمیم چیست؟

برای این پرساخت احتمالاً سه دلیل متصور است:
اول: بی بی سی فارسی در وقایع ۱۴۰۱ با رزورده غلط از فرجام کار، تبدیل به چیزی شبیه ایران اینترنشنال شده بود و همان قدر تندروا دیکال عمل می کرد. در واقع آنها هم دچار ماریج صف آتش شدند. این اتفاق سبب شد در آن مقطع بی بی سی مهم ترین مزیت خود یعنی نمایش رسانه بودن را از دست بدهد و تبدیل به یک شبه پروپاگاندا بیست شود. در دو سال اخیر و با فروکش کردن آن التهابات، آنها سعی کردند به نقش قبلی برگردند و حالاً برای تثبیت این نقش چه فرصتی بهتر از بحران اخیر که گوش ها نسبت به اخبار سیاسی تیزتر است.

دوم: به وضوح یک تقسیم کار جدی میان بلوک بی بی سی و رسانه ای ترها با بلوک ایران اینترنشنال و بقیه رسانه های رادیکال صورت گرفته است؛ هم از جنبه شکلی و هم از لحاظ مستقیم گویی و رادیکالیسم. اینترنشنال بخش توده ای تر جامعه را هدف گرفته است و بی بی سی فارسی بخش نخبگانی تر را طبعاً برای ارتباط با بخش نخبگانی باید بالحن و ادبیات و نظام استدلالی متفاوتی تولید پیام کرد.
سوم: بی بی سی فارسی با یک طراحی روشن، مدتی است لایه ایدئولوژیک و هسته سخت نظام را هم مخاطب خود قرار داده است. انتخاب موضوع های خاص گریزانه با موضوعاتی مثل تاریخ جنگ، آینده قدرت در ایران و... نشانه های روشنی از این هدف گذاری است. طبعاً لازمه پیشبرد چنین ایده ای ایجاد سمپاتی خبری نسبی با این طیف است. بخش های گریزانه از گزارش های این دو خبرنگار در شبکه های اجتماعی عموماً آمد هسی را باید نشانه ای از کارکرد این سیاست دانست. بی بی سی خوب می داند با ایجاد این هم سخنی می تواند در بزنگاه های سیاسی هر قدر که ممکن شد، نظام ادراکی این طیف را تحت تأثیر قرار دهد، در واقع کوهنورد و ناجی در تل آویو هستند؛ اما برای آینده تهران میکروفن در دست گرفته اند.

موازنه بعد از ترسیم تابلوی شام آخر توسط مقاومت در حیفا تغییر کرد؟ بازگشت به نقطه صفر

عملیات بزرگ مقاومت در لبنان، اعلام پایان مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا توسط وزیر خارجه و نطق فعال و رو به جلوی رئیس مجلس در ژنو پیام واحدی دارد

بازگشت به زبان قدرت

درباره روزنامه نگار سوپر انقلابی که بوقچی نتانیا هو شد

مهملدی نصییری؛ موزه عبرت

چینی ها طرح جدیدی برای ابر قدرتی در علم دنیا تدارک دیده اند

شمارش معکوس خیزش دوم علمی چین

«دانه انجیر معابد» با مدت زمان نزدیک به ۳ ساعت شبیه خطابه ای مطول است

رسول اف یا ایرج ملکی؟

از اقتصاد سیاسی ۵۴ سکوی نمایش خانگی جدید چه می دانیم؟

هجوم بانک ها و تاجران به پلتفرم ها